

## نگاهی به بحران دارفور

### مقدمه

بحران دارفور با حجم بسیار گسترده‌ای از آواره‌گی و خشونت علیه انسانهای فقیر و محروم در قلب آفریقا به عنوان یک رخداد تراژدیک و غم‌انگیز انسانی سال‌های اخیر، بخش زیادی از اخبار و تحولات منطقه‌ای و جهانی را به خود اختصاص داده است؛ بحرانی که بین مفاهیمی مانند منازعات قبیله‌ای مورد ادعای دولت سودان و نسل‌کشی و پاکسازی نژادی مورد ادعای آمریکا بیش از پیش گسترده‌تر شد و تلاش کشورهای غربی و سازمان ملل تاکنون نتوانسته امنیت و صلح و آرامش را به منطقه باز گرداند؛ بحرانی که دولت سودان را با فشارهای جهانی مواجه ساخت و باعث طمع برخی دولت‌های استکباری جهت تسلط بر منابع نفت، گاز و اورانیوم منطقه گردید. در این گزارش تلاش می‌کنیم تا به صورت اختصار، به ابعاد این بحران اشاره نماییم.

### موقعیت

دارفور، منطقه‌ای بسیار محروم و فقیر واقع در غرب سودان است که وسعت آن یک پنجم کشور سودان یعنی حدود نیم میلیون کیلومتر مربع می‌باشد. حدود ۵ میلیون نفر از جمعیت ۳۵ میلیونی سودان در این منطقه زندگی می‌کنند. از نظر مذهبی تقریباً همه

مردم دارفور مسلمان می‌باشند. قبایل دارفور را مردمان شجاع و جسور در طول تاریخ تشکیل داده است. دارفور قبل از پیوستن به سودان در سال ۱۹۱۶ میلادی، کیانی مستقل بوده که همواره در برابر قدرت‌های بزرگ روزگار خود، پایداری کرده است.

ساکنان دارفور به دو گروه نژادی عرب (ساکن شمال دارفور) و آفریقایی سیاه (ساکن جنوب و غرب دارفور) تقسیم می‌شوند. دست کم ۳۶ گروه قومی در دارفور زندگی می‌کنند که بزرگ‌ترین آنها دو قوم مسالیت و زغاوه هستند. در این میان، زغاوه دارای پیوند گسترده‌ای با چاد می‌باشد و ادیس دبی، رئیس جمهور چاد، از این قبیل است. شغل اساسی و عمده اهالی دارفور، کشاورزی و دامداری، آن هم به شکل قدیمی و بدوی می‌باشد.

قبایل دارفور با آنکه مسلمان هستند، اعتقاد دارند مورد بی‌مهری حکومت عرب‌ها در پایتخت قرار گرفته و بهره‌ای از ثروت و قدرت نبرده‌اند. به عنوان نمونه، آنها دو روستای عرب و غیر عرب را که کمتر از یک کیلومتر با هم فاصله دارند، روستای عرب نشین «آباد و پرونوق» و روستای غیر عرب را «محروم» می‌دانند. برخی تحلیلگران بر این باورند که بحران‌های به وجود آمده در جنوب سودان و منطقه دارفور ناشی از پیروی حکومت مرکزی از ویژگی‌ها و هویت‌های سخت‌عربی است که پس از استقلال (۱۹۵۶) حاکم بر این کشور شده است.

### تنش‌های سنتی در دارفور

دارفور به علت بافت اجتماعی و وجود قبایل گوناگون، از سال‌های پیش با منازعات قبیله‌ای بر سر چراگاه‌ها، آب و زمین دست به گریبان بود؛ به طوری که تا سال ۲۰۰۳ دهها نزاع قبیله‌ای در این منطقه به وقوع پیوست که به ۳۹ نشست در سطح منطقه

و حل و فصل اختلافات به طریق ریش سفیدی و کدخدا منشی منجر شد. غارت‌های مسلحانه و یورش به روستاها همزمان با خشکسالی دهه ۸۰ باعث شد تا هزاران دافوری، آواره کوه و بیابان شوند. در این میان، دولت برای سرکوب نمودن غارت و یورش به روستاها اقدام به مسلح کردن گروهی عرب‌تبار با عنوان «جنگویدها» نمود که عملکرد آنان پس از چند سال، زمینه‌های نارضایتی و بدبینی مردم نسبت به دولت را فراهم کرد.

### تلاش برای حل اختلافات و شعله‌ور شدن بحران جدید

دولت مرکزی سودان برای حل و فصل اختلافات قبیله‌ای، اقدامات مختلفی انجام داد که همه آنها در نهایت به زیان دولت تمام شد و نتیجه معکوس برای دولت به دنبال داشت. سیاست حزبی در ادارات دولتی، پایبند نبودن دولت به تکمیل برخی پروژه‌های وعده داده شده از قبیل پروژه جاده اتفاد عربی، نارضایتی مردم دارفور از غارت‌های مسلحانه و ناتوانی دولت مرکزی از مهار این غارت‌ها، سلطه و زورگویی قبایل عرب منطقه در تصاحب زمین‌های کشاورزی و سکوت دولت مرکزی، عقب ماندن از چرخه توسعه، فشارهای روانی و سیاسی و پیدایش ذهنیت‌های منفی علیه دولت به دنبال حمایت از قبایل عربی، از جمله عواملی بودند که آتش بحران را روز به روز شعله‌ور می‌ساخت.

خشم مردم دارفور از تبعیض و عدم برخورداری از امکانات دولتی، همزمان با روند مذاکرات صلح در جنوب که در جریان آن جنوبی‌ها توانستند با امضای پروتکل‌های تقسیم ثروت و قدرت به خواسته‌هایشان دست یابند، مانند آتش زیر خاکستری بود که مبارزات مسلحانه را شعله‌ور ساخت. صلح جنوب، الگویی برای گروه‌ها، شخصیت‌ها و نخبگان سیاسی دارفور جهت بهره‌گیری از نارضایتی‌های موجود گردید. آنان با توجه به

دهها هزار نیروی تحصیل کرده بیکار، به امید آنکه همانند جنوبی‌ها بتوانند به اهداف سیاسی و اقتصادی خودشان دست یابند، علیه دولت مرکزی دست به شورش زدند.

روزهای پایانی سال ۲۰۰۲ و فوریه ۲۰۰۳ را می‌توان آغاز شورش‌ها، حمله به مراکز دولتی، پلیس و جنگی مسلحانه علیه دولت در دارفور به شمار آورد. در این شورش‌ها دو گروه مسلح به عنوان بازیگران اصلی علیه دولت ظاهر شدند؛ «جنبش عدالت و برابری» و «جنبش آزادی‌بخش دارفور سودان».

دولت سودان با پیشنهاد برگزاری کنگره‌ای برای رسیدگی به خواسته‌های شورشیان، دریافت که آنان نیز همانند جنوبی‌ها به دنبال تقسیم ثروت و مشارکت در حاکمیت هستند؛ از این رو با شورش خواندن آنها با عناوینی همچون یاغی و راهزن و با توجه به عدم توفیق در حل مسالمت‌آمیز مسأله، راه حل نظامی را در پیش گرفت و با اتخاذ سیاست مشت آهنین، گروه شبه نظامی دولتی جنجویدها را به مقابله با آنان روانه کرد. دولت با دو هفته حملات پیاپی هوایی و زمینی به مناطق بحرانی، به ظاهر بر شورشیان پیروز شد؛ اما حجم گسترده آوارگان و کشته شدگان نتیجه‌ای جز بین‌المللی نمودن این بحران نداشت. این نکته قابل ذکر است که در این جنگ مسلحانه بین نیروهای دولتی معروف به جنجویدها با دو گروه مسلح دارفوری، تاکنون بیش از ۲۰۰ هزار نفر کشته و ۲/۵ میلیون نفر آواره شده‌اند.

### بین‌المللی شدن بحران و تلاش برای حل آن

پس از اوجگیری درگیری‌های مسلحانه بین شورشیان و نیروهای دولتی و افزایش روزافزون آواره‌گان و کشته‌شدگان و ناتوانی دولت برای مهار این بحران، کشورهای غربی و سازمان‌های بین‌المللی با واکنش شدید وارد سودان و مناطق بحرانی

شدند. حمایت برخی کشورها و سازمان‌ها از گروه‌های شورشی در دارفور و واکنش شدید سازمان‌های حقوق بشری و غیردولتی به این رخداد و نیز بزرگنمایی بحران با عنوان نسل‌کشی و پاکسازی نژادی از سوی آمریکا و غرب، هزینه بسیار سنگینی برای دولت مرکزی به دنبال داشت؛ چرا که سازمانهای جهانی و حقوق بشری و رسانه‌های غربی، دولت سودان را به حمایت از شبه نظامیان عرب (جنجويد) در قتل و غارت بومیان دارفوری و پاکسازی نژادی و نسل‌کشی متهم نمودند.

در نتیجه فشارهای وارده به دولت سودان، گروه‌های بین‌المللی و مقامات بسیاری از کشورهای غربی مانند سفر دبیرکل سازمان ملل، نخست‌وزیران انگلیس و کانادا، وزرای امور خارجه آمریکا، آلمان، فرانسه، سوئیس، هلند و نظایر آن با هدف تحت فشار قرار دادن دولت سودان به سودان و دارفور سفر کردند. حتی سران هشت کشور صنعتی (گروه هشت) نیز در آخرین نشست خود در آمریکا، به موضوع سودان پرداخته و ضمن ابراز نگرانی از وضعیت بحرانی دارفور، از دولت این کشور خواستند گروه‌های مسلحی را که به مردم حمله می‌کند، مهار نموده و تمامی موانع کمک رسانی بین‌المللی را رفع نماید.

### تلاش‌های منطقه‌ای

پس از این فشارها، تلاش برای برقراری آرامش و ثبات در منطقه شدت گرفت. اولین اقدام برای برقراری ثبات و آرامش در دارفور، نشست انجمن‌ها در چاد و امضای موافقتنامه ۹ آوریل ۲۰۰۴ بود. در این نشست دو طرف درگیر، توافقنامه آتش بس را امضا کرده و حتی سازوکاری نیز برای نظارت بر آن پیش‌بینی کرده بودند؛ اما دیری نگذشت که با حمله شورشیان به مراکز پلیس، این توافقنامه نقض گردید و درگیری‌ها مجدداً آغاز شد.

اقدام بعدی، نشست گروه‌های معارض و دولت در آدیس‌آبابا (اتیوپی) بود که این دور از گفت‌وگوها به علت ارائه پیش شرط‌های ششگانه شورشیان نتیجه‌ای به دنبال نداشت.

پس از این، لیبی وارد عمل شد و تلاش‌های میانجیگرانه خود را آغاز نمود. این کشور با سه بار میزبانی از قبایل دارفور در کاهش تنش‌ها در منطقه دارفور مؤثر بود. سپس قذافی موفق شد دو بار سران چند کشور آفریقایی مانند سودان، مصر، چاد، لیبی، نیجریه، اریتره و گابن در طرابلس را دور هم جمع کند که این نشست‌ها نیز گام‌های مؤثری در جهت کاهش اختلافات بود.

مذاکرات ابوجا از دیگر اقداماتی بود که با میانجیگری اتحادیه آفریقا و به ریاست رئیس‌جمهور نیجریه و با حضور ناظران اتحادیه اروپا، دولت‌های لیبی، چاد و سازمان ملل انجام گرفت. تاکنون هفت دور مذاکره در ابوجا، پایتخت نیجریه، انجام شد که به امضای چند پروتکل انسانی و امنیتی منجر گردید. در هفتمین دور اجلاس صلح در ابوجا، کمیسیون‌های سه‌گانه ترتیبات امنیتی، تقسیم ثروت و تقسیم قدرت پس از چند دوره مذاکره به نتایج ملموسی دست یافتند اما این اجلاس نیز همچون گذشته، به صلح واقعی منجر نشد.

### تلاش سازمان ملل

اگرچه دولت سودان تلاش کرد تا از بین‌المللی شدن بحران دارفور جلوگیری کند، اما در این مسیر به موفقیتی دست نیافت و فشارهای متعددی به ویژه از ناحیه سازمان ملل متحد متوجه این کشور شد. سفر کوفی عنان به سودان و دارفور، تعیین نماینده ویژه دبیرکل در سودان، تلاش برای کمک رسانی به آوارگان، اعزام ۱۰ هزار نیروهای کمک رسان به سودان و تصویب ۹ قطعنامه علیه سودان، از جمله تلاش‌های

این سازمان برای حل بحران دارفور بود. لازم به ذکر است که موضوع دارفور چندین بار در شورای امنیت مطرح گردید. جان پروتک، نماینده ویژه دبیرکل در امور سودان، در گزارش‌های متعددی که به شورای امنیت ارائه کرد، وضعیت امنیتی در دارفور را وخیم توصیف نمود. این فشارها باعث شد تا شورای امنیت اقدام به صدور و تصویب ۹ قطعنامه علیه دولت سودان نماید که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱. قطعنامه ۱۵۵۶ در ۳۰ ژوئن ۲۰۰۴: پس از تشدید فشارهای بین‌المللی (به

ویژه از سوی دولت‌هایی مانند آمریکا، آلمان، انگلیس) بر دولت سودان، شورای امنیت سازمان ملل در ۳۰ جولای ۲۰۰۴، قطعنامه پیشنهادی آمریکا (۱۵۵۶) را با ۱۳ رأی موافق و دو رأی ممتنع (پاکستان و چین) علیه دولت سودان به تصویب رساند. در این قطعنامه به خارطوم یک ماه فرصت داده شد تا اقدام به برقراری امنیت، خلع سلاح جنجويد و تسهیل کمک‌رسانی بین‌المللی به دارفور نماید که در غیر این صورت، شورای امنیت تدابیری علیه این کشور اتخاذ خواهد کرد. دبیرکل سازمان ملل، جان پروتک را به عنوان نماینده ویژه خود در سودان معرفی کرد تا با بررسی اوضاع دارفور، چگونگی پایبندی دولت سودان به تعهدات خود به قطعنامه را گزارش نماید.

۲. قطعنامه ۱۵۶۴ در ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۴: با پایان مهلت ۳۰ روزه شورای امنیت

در ۳۰ اگوست ۲۰۰۴، نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل در گزارشی به شورای امنیت، ضمن اشاره به برخی پیشرفت‌های حاصل در بهبود شرایط دارفور نوشت: «دولت سودان هنوز بسیاری از تعهدات اصلی خود (از جمله خلع سلاح جنجويد) را انجام نداده است». با استناد به گزارش دبیرکل سازمان ملل، آمریکا قطعنامه دیگری به شورای امنیت ارائه کرد که با ۱۱ رأی مثبت و ۴ رأی ممتنع (الجزایر،

پاکستان، چین، روسیه) به تصوب رسید. یکی از بندهای این قطعنامه، تعیین کمیته حقیقت‌یابی بود که از دبیرکل خواسته شده تا برای بررسی احتمال وقوع نسل‌کشی در دارفور کمیته‌ای را تعیین نماید.

۳. قطعنامه ۱۵۹۱ در ۲۹ مارس ۲۰۰۵: در این قطعنامه، برقراری برخی مجازات‌ها علیه سودان شامل جلوگیری از انجام سفر برخی مقامات و بلوکه کردن دارایی‌های کسانی که در نقض حقوق بشر و ارتکاب جنایات جنگی در دارفور مسئول شناخته شوند، پیش‌بینی شد. همچنین ممنوعیت پرواز هواپیماهای دولتی و نظامی بر فراز دارفور و تحریم ارسال سلاح و مهمات به این منطقه، از دیگر مفاد قطعنامه فوق می‌باشد.

۴. قطعنامه ۱۵۹۳ در اول آوریل ۲۰۰۵: موضوع محاکمه ناقضان حقوق بشر و جنایات و کشتار در دارفور را در دیوان بین‌المللی کیفری لاهه مورد تصویب قرار داد. بر اساس این قطعنامه، ۵۱ نفر از مقامات سودانی باید پس از شروع دادگاه محاکمه شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### فشار دولتها و سازمان‌های بین‌المللی

آمریکا منازعه دارفور را نسل‌کشی دانسته و تلاش می‌کند تا با تحت فشار قرار دادن حکومت سودان، مشروعیت این کشور را خدشه‌دار نماید. رئیس‌جمهور آمریکا منطقه دارفور را قربانی «نسل‌کشی» اعلام کرده است. بوش گفت: «ما از سازمان ملل می‌خواهیم تحقیقات عمیقی درباره نسل‌کشی و دیگر جنایات در دارفور انجام دهد». انگلستان نیز همانند آمریکا با حربه‌های ویژه خود، تلاش کرد تا بر دولت سودان فشار آورد. این کشور با آمادگی برای اعزام نیروهای نظامی به دارفور جهت حمایت از مردم و



سفر تونی بلر در اکتبر ۲۰۰۴ به سودان، دولت سودان را تهدید کرد که هر چه سریع‌تر بر بحران دارفور غلبه نماید. آلمان نیز همواره از دولت سودان به خاطر نقض حقوق بشر در دارفور انتقاد کرده و بارها موضع‌گیری شدیدی علیه خارطوم اتخاذ نموده است. گفته می‌شود آلمان یکی از حامیان گروه‌های شورشی مخالف دولت در دارفور می‌باشد.

**روسیه:** دیدگاه روسیه در خصوص بحران دارفور همواره حمایت از اقدامات سازمان ملل بوده ضمن اینکه نیم نگاهی هم به حمایت از سودان داشته است. وزیر امور خارجه روسیه معتقد است که درباره موضوع دارفور باید بر اساس گزارش دبیرکل سازمان ملل قضاوت کرد. وی اظهار داشت: «گزارش دبیرکل از اوضاع دارفور نشان می‌دهد که پیشرفت محسوسی در عمل کردن سودان به تعهداتش در بحران دارفور به وجود آمده است».

**فرانسه:** وزارت امور خارجه فرانسه اعلام کرد، پاریس نیز همچون سازمان ملل متحد به نقض شدید حقوق بشر در منطقه آشوب زده دارفور معتقد است. سخنگوی وزارت امور خارجه فرانسه گفت: «ما با کسانی که برای ارزیابی اوضاع به دارفور رفته‌اند؛ از جمله دبیرکل سازمان ملل متحد و نماینده ویژه وی در سودان، هم عقیده‌ایم». آنها از عبارت نقض شدید و وسیع حقوق بشر در مورد موج گسترده خشونت‌ها در منطقه دارفور استفاده کرده‌اند. فرانسه در آوریل ۲۰۰۴ میزبان نشست بین نمایندگان دولت و شورشیان دارفوری بود که بیشتر یک رُست سیاسی و اقناع عمومی داخلی ارزیابی شد.

**چین:** این کشور، یکی از کشورهای حامی سودان در سازمان ملل است. این کشور به خاطر حجم مناسبات تجاری و اقتصادی با سودان حاضر نیست سودان مورد تحریم شورای امنیت قرار گیرد. معاون وزیر امور خارجه چین طی سفری به خارطوم اعلام

کرد: «دولت چین و مقامات این کشور توجه زیادی به اوضاع در منطقه دارفور دارند». دولت چین به قطعنامه ۱۵۵۶ شورای امنیت رأی ممتنع داد و در برابر قطعنامه پیشنهادی آمریکا در پایان مهلت ۳۰ روزه موضع منفی گرفت و تهدید به وتوی آن نمود.

**اتحادیه اروپا:** شورای وزیران خارجه اتحادیه اروپا همواره نسبت به اوضاع امنیتی منطقه دارفور ابراز نگرانی کردند. این شورا همچنین از تمام طرف‌های ذی‌نفع در مسأله دارفور خواست که آتش بس را محترم شمرده و با حسن نیت، مذاکرات صلح در ابوجا را ادامه دهند. این شورا بر تعهد اتحادیه اروپا در حمایت سیاسی و اقتصادی از اتحادیه آفریقا در این زمینه تأکید کرد. شورا قبلاً اعلام کرده بود که گزارش‌ها حاکی از ادامه نقض گسترده حقوق بشر توسط شبه نظامیان مسلح از جمله تجاوز سازمان یافته به زنان است.

**ناتو:** دبیر کل ناتو اعلام کرد این سازمان می‌تواند با اتحادیه اروپا در منطقه دارفور سودان همکاری کند. وی گفت: «اتحادیه اروپا در پاسخ به بحران انسانی در دارفور که هر روز نیز وخیم‌تر می‌شود، در این منطقه اقداماتی انجام می‌دهد و ما نیز می‌توانیم در این زمینه با آنها همکاری کنیم». وی افزود؛ به عنوان مثال، ما می‌توانیم در صورت تقاضای اتحادیه آفریقا کمک‌های پشتیبانی یا کمک‌های دیگری برای آنها ارسال کنیم.

**گزارش دادستانی دادگاه بین‌المللی جنایی:** در گزارش دادستان بین‌المللی آمده است که بر اساس تحقیقات به عمل آمده از ژوئیه ۲۰۰۲، قتل، کشتار، جنایت و تجاوزات جنسی در دارفور به وقوع پیوسته و افرادی که بیشتر آنان مسئولیت دولتی دارند، در این تجاوزات دست داشته‌اند. در این گزارش، اسامی ۵۱ نفر به عنوان متهمان نقض حقوق بشر در دارفور اعلام شد.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر: سازمان دیده‌بان حقوق بشر اعلام کرد تحقیقات این سازمان نشان می‌دهد که نیروهای دولتی سودان از اردوگاه‌های مشترکی با شبه نظامیان عرب (موسوم به جنجويد) برای حمله به دارفور استفاده می‌کنند. سازمان اعلام کرد شورای امنیت باید نشان دهد که بیش از این نمی‌تواند شاهد ادامه بی‌رحمی‌های نیروهای مسلح سودان و شبه نظامیان جنجويد در دارفور باشد. این سازمان در آخرین گزارش خود، «البشیر» و ۲۱ تن دیگر از مسئولان سودانی را متهم به جنایت علیه بشریت در دارفور کرد و خواستار محاکمه آنها شد.

### اقدامات دولت مرکزی

- در مقابل فشارهای اعمال شده بین‌المللی به دولت سودان، این کشور تلاش کرد تا خود را در مقابل توصیه‌های جهانی مسئول نشان دهد و نهایت همکاری را در حل بحران به عمل آورد. از جمله اقدامات دولت سودان در این خصوص عبارت است از:
۱. استقبال از تمام تلاش‌ها و پیشنهادات جامعه بین‌الملل و آمادگی برای تعامل با توصیه‌های آنها.
  ۲. درخواست از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل جهت اعزام نماینده‌ای برای تحقیق در بحران دارفور.
  ۳. تشکیل کمیته حقیقت‌یاب در سطح عالی و اعزام به دارفور جهت بررسی جنایت‌های جنجويد.
  ۴. تعیین وزیر کشور به عنوان نماینده ویژه رئیس‌جمهور در دارفور و اعزام ۶ هزار نیروی پلیس برای تأمین امنیت.

۵. مشارکت در اجلاس‌های منطقه‌ای به ویژه ابوجا و تلاش برای نهایی کردن صلح با شورشیان و تمایل برای سپردن بخشی از مناصب دولتی به دارفوری‌ها.
۶. تشکیل دادگاهی برای محاکمه متهمان نقض حقوق بشر در دارفور و استقبال کوفی عنان از این اقدام.
- در بین کشورها بیش از همه ایالات متحده آمریکا، تلاش‌های گسترده‌ای نمود تا در تحولات دارفور نقش برجسته‌ای ایفا کند؛ از جمله موضع‌گیری‌های مقامات آمریکایی در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:
۷. اشاره جورج بوش به این موضوع که خشونت در دارفور به یک بحران بشری و وخیم تبدیل گردید. این منطقه، قربانی نسل‌کشی شده است. وی گفت: ما به این نتیجه رسیدیم که نسل‌کشی در دارفور وجود دارد و جامعه بین‌الملل را به تلاش برای جلوگیری از این روند نسل‌کشی فرا می‌خوانیم. کالین پاول، وزیر خارجه پیشین آمریکا، نیز وقایع دارفور را نسل‌کشی خواند. استایدر، معاون وزیر خارجه آمریکا، در گزارش خود به کنگره، از کمیته حقوق بشر کنگره خواست تا با اعمال فشار بر دولت سودان، آنان را وادار به خلع سلاح جنجويد کند.
۸. گزارش‌های دیده‌بان حقوق بشر و دادستان دادگاه بین‌المللی جنایی از اوضاع دارفور و متهم نمودن البشیر و ۵۱ تن دیگر از مسئولان سودانی به عنوان جنایتکاران جنگی که باید محاکمه شوند، از جمله فشارهای بین‌المللی تحت رهبری آمریکا ارزیابی شد.
۹. اعمال فشارهای سیاسی توسط مقامات آمریکایی از جمله رئیس‌جمهور و وزیر خارجه این کشور به دولت سودان به منظور تن دادن به تصمیمات بین‌المللی و تلاش برای ایجاد صلح و آرامش در دارفور.

۱۰. سفرهای مقامات سیاسی وزارت امور خارجه آمریکا از جمله کاندولیزا رایس، وزیر خارجه آمریکا، به سودان با هدف رایزنی، مذاکره و اعمال فشار به دولت سودان پیرامون تحولات دارفور.

۱۱. درخواست تمدید تحریم علیه سودان به مدت یک سال دیگر از سوی شورای امنیت توسط سفیر آمریکا در سازمان ملل. جان بولتون با متهم کردن دولت سودان به عنوان عامل اصلی بحران در منطقه دارفور، اعلام کرد که به رغم حضور نیروهای حافظ صلح اتحادیه آفریقا در این منطقه، بحران و بی‌ثباتی همچنان در دارفور ادامه دارد و شورای امنیت باید تحریم‌های جدیدی را علیه مسئولان حکومتی سودان در دستور کار خود قرار دهد.

۱۲. انتقاد آمریکا از شورای امنیت و اعلام این موضوع که به رغم گزارش‌های تأسفیباز از اوضاع دارفور که به اطلاع شورای امنیت رسیده است، این شورا تصمیمات قابل‌ذکری اتخاذ نکرده است.

۱۳. درخواست وزیر خارجه آمریکا از سنای این کشور مبنی بر اختصاص ۵۰ میلیون دلار بودجه جهت کمک به نیروهای حافظ صلح در دارفور.

۱۴. درخواست آمریکا مبنی بر جایگزینی نیروهای سازمان ملل به جای نیروهای حافظ صلح اتحادیه آفریقا که مورد استقبال سازمان ملل نیز قرار گرفت.

۱۵. درخواست بوش، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، جهت اعزام نیروهای ناتو به دارفور.

### آمریکا در دارفور به دنبال چیست؟

به گفته تحلیلگران، آمریکا در سودان و دارفور اهداف متعددی را دنبال می‌کند. اولین هدف آمریکا در دارفور، دستیابی به منابع نفتی، گازی و اورانیوم در این منطقه

می‌باشد؛ چرا که معتقد است امکان دارد این منابع در اختیار تروریست‌ها قرار گیرد. آمریکا تلاش می‌کند تا با سیطره و تسلط بر این منابع و ارتباط دادن منافع خود در شرق و غرب آفریقا، از سیاست‌های بلندپروازانه فرانسه که سعی در ورود به منطقه دارفور را دارد، جلوگیری نماید. حضور آمریکا در دارفور بخشی از سیاست‌های کلان این کشور جهت حضور در کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهای آفریقایی دارای منابع نفتی را تشکیل می‌دهد. با توجه به اینکه امنیت منطقه آفریقا از منطقه خاورمیانه بیشتر می‌باشد، این کشور با اجرای این سیاست می‌تواند نفت آفریقا را از طریق اقیانوس هند به بازارهای داخلی خود انتقاد دهد. از دیگر اهداف آمریکا در دارفور، فرصت‌سازی برای پژوهشگران و سرمایه‌گذاران بزرگ نفتی این کشور جهت سرمایه‌گذاری در بخش‌های نفتی آفریقا و در رأس آنها دارفور است که پیش‌بینی می‌شود طی سالهای آینده، از بزرگترین مناطق تولید و استخراج نفت در آفریقا همراه با گابون و آفریقای جنوبی به شمار آید. گفته می‌شود اکنون ۱۲ چاه نفتی در دارفور قابل ارزیابی است؛ یکی از آنها تلاش برای ایجاد فتنه و اختلاف بین قبایل عربی و آفریقایی به منظور قطع دسترسی بخش عربی آفریقا از بخش آفریقایی این قاره می‌باشد که سودان یکی از مراکز مهم و اساسی در این زمینه به شمار می‌آید. در همین خصوص، گفته می‌شود آمریکا اکنون در صدد گسترش ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی در داخل و پیرامون منطقه دارفور است.

در حال حاضر، آمریکا سه کنسولگری در جنوب سودان تأسیس کرد. جنوب سودان به دلیل دارا بودن منابع غنی نفت و گاز، مورد توجه بسیاری از کشورهای غربی و شرکت‌های چندملیتی قرار گرفته است. اکنون شرکت‌های بزرگ آمریکایی و اروپایی فعالیت‌های خود را در این منطقه آغاز کرده‌اند. در حال حاضر، بسیاری از فعالیت‌ها در

زمینه استخراج معادن الماس و اکتشاف منابع جدید نفت و گاز در جنوب سودان توسط شرکت‌های چندملیتی آغاز شده است.

## آخرین تحولات دارفور

درخواست جایگزینی نیروهای بین‌المللی به جای نیروهای پاسدار صلح اتحادیه آفریقایی در منطقه دارفور، از آخرین تصمیماتی است که جهت حل بحران دارفور اعلام شد. این درخواست توسط اتحادیه آفریقا به علت ناتوانی در تأمین هزینه ماهیانه ۱۷ میلیون دلاری حضور نیروهای خود در دارفور مطرح گردید و پس از آن، مورد استقبال سازمان ملل و آمریکا قرار گرفت. اما این تصمیم با مخالفت شدید دولت سودان و برخی کشورهای عربی از جمله لیبی و مصر مواجه گردید.

بیشتر اعلام شده بود که پیش‌نویس قطعنامه پیشنهادی آمریکا درباره دارفور که واکنش‌گتن در آن از اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد درخواست کرده است نیروهای وابسته به سازمان ملل متحد به دارفور اعزام شوند، به علت برخی مخالفت‌ها هنوز تصویب نشده است. گفته می‌شود در قطعنامه پیشنهادی آمریکا از شورای امنیت خواسته شده است تا با انتقال مأموریت نظارت بر صلح در دارفور از اتحادیه آفریقا به نیروهای سازمان ملل متحد موافقت شود. دولت سودان نیز اعلام کرده بود کشورش هیچ نیازی به نیروهای آمریکایی ندارد و سازمان ملل می‌تواند به جای اعزام نیروهای آمریکا و اروپا به عنوان نیروهای جنگ‌طلب و خونریز به دارفور، بودجه‌ای را برای ادامه حضور نیروها اختصاص دهد تا بتوانند به کارشان ادامه دهند.

اتحادیه آفریقا طی سال‌های اخیر، تلاش کرده است با اتخاذ سیاستی مستقل، مشکلات موجود در قاره آفریقا را با اتکا به راه‌حل‌های آفریقایی پایان دهد. اما به نظر

می‌رسد که این رویه چندان مورد استقبال کشورهای صنعتی قرار نگرفته است که نمونه آن را می‌توان در دارفور مشاهده نمود. اکنون به نظر می‌رسد آمریکا می‌کوشد تا با تصویب قطعنامه‌ای نیروهای بین‌المللی را جایگزین نیروهای پاسدار صلح آفریقایی در دارفور کند که این اقدام را می‌توان حرکتی در چارچوب محدود کردن اتحادیه آفریقایی و تلاش برای وانمود کردن عدم موفقیت این اتحادیه ارزیابی کرد.

### چند نکته پیرامون دارفور

- هنگامی که درگیری‌های قبیله‌ای دارفور از ابتدای سال ۲۰۰۳ تشدید شد، مذاکرات صلح جنوب با پشتیبانی نیروهای غربی به‌ویژه آمریکا در کنیا در جریان بود. از آنجایی که به نتیجه رسیدن صلح جنوب برای غربی‌ها مهم بود، از این رو در برابر اخبار مربوط به بحران دارفور واکنش شدیدی نشان نمی‌دادند. تا آنکه پس از به سرانجام رسیدن صلح جنوب و هنگامی که دولت سودان انتظار دریافت پاداش را داشت، بحران دارفور با تبلیغات وسیع غربی‌ها تبدیل به بدترین فاجعه انسانی در جهان گردید و خارطوم تحت فشارهای شدید بین‌المللی قرار گرفت.

- با توجه به اسلامی بودن حکومت سودان، عده‌ای بر این باورند که غربی‌ها در مراحل اولیه بحران دارفور دست دولت را در سرکوب شدید شورشیان باز گذاشتند تا در فرصت دیگری از آن به عنوان حربه‌ای برای تحت فشار قرار دادن حکومت اسلامی سودان استفاده کنند.

- اهداف سیاسی شورشیان چندان روشن نیست؛ ولی آنچه اعلام می‌شود، این است که می‌خواهند در قدرت و ثروت شریک شوند و از محرومیت بیش از اندازه بیرون بیایند. انگیزه دارفوری‌ها زمانی تقویت شد که گروه‌های جنوب سودان در نتیجه جنگ و شورش



به امتیازات زیادی دست یافتند. آنها به تدریج با مشاهده حمایت‌های بین‌المللی بر خواسته‌های خود افزودند؛ تا جایی که موضوعاتی مانند اعطای خودمختاری، خروج ارتش و ممنوعیت پروازهای نظامی دولتی در منطقه را در مذاکرات خود مطرح کردند که در نتیجه فشارهای بین‌المللی، دولت ناچار گردید موضوع ممنوعیت پروازی را بپذیرد.

- یکی از خواسته‌های شورشیان که در مذاکرات ابوجا مطرح گردید، «جدایی دین از دولت» بود که از سوی جنبش آزادی‌بخش دارفور سودان مطرح شد و جنبش عدالت و مساوات از آن استقبال نکرد.

- سیاست آمریکا در سودان، اتخاذ سیاست ترکیبی تغییر از بالا و پایین است و از بحران دارفور برای تحت فشار قرار دادن دولت سودان استقبال می‌کند. بدین ترتیب، آمریکا در صدد استحاله ساختار حکومت اسلامی سودان از درون می‌باشد. ضمن اینکه در حال حاضر، سودان به علت وضعیت ژئوپولیتیکی، سیاسی و اقتصادی خاص خود، در سیاست خارجی آمریکا اهمیت زیادی پیدا کرده است.

- به رغم اینکه سازمان‌ها و کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا تلاش کرده‌اند تا منازعه در دارفور را نسل‌کشی و پاکسازی نژادی عنوان کنند، مسئولان سودانی ضمن رد این اظهارات، بر این باورند که بحران دارفور از سوی غربی‌ها بسیار بزرگنمایی شده و این منازعه قبیله‌ای است و نمی‌توان آن را قتل عام توصیف کرد.

- تا جایی که موضوعاتی مانند اعطای خودمختاری، خروج ارتش و ممنوعیت پروازهای نظامی دولتی در منطقه را در مذاکرات خود مطرح کردند که در نتیجه فشارهای بین‌المللی، دولت ناچار گردید موضوع ممنوعیت پروازی را بپذیرد.

.. یکی از خواسته‌های شورشیان که در مذاکرات ابوجا مطرح گردید، «جدایی دین از دولت» بود که از سوی جنبش آزادی بخش دارفور سودان مطرح شد و جنبش عدالت و مساوات از آن استقبال نکردند.

- سیاست آمریکا در سودان، اتخاذ سیاست ترکیبی تغییر از بالا و پایین است و از برهان دارفور برای تحت فشار قرار دادن دولت سودان استقبال می‌کند. بدین ترتیب، آمریکا در صدد استحاله ساختار حکومت اسلامی سودان از درون می‌باشد. ضمن اینکه در حال حاضر، سودان به علت وضعیت ژئوپولیتیکی، سیاسی و اقتصادی خاص خود، در سیاست خارجی آمریکا اهمیت زیادی پیدا کرده است.

- به رغم اینکه سازمان‌ها و کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا تلاش کردند تا منازعه در دارفور را نسل‌کشی و پاکسازی نژادی عنوان کنند، مسئولان سودانی ضمن رد این اظهارات بر این باورند که بحران دارفور از سوی غربی‌ها بسیار بزرگنمایی شده و این منازعه قبیله‌ای است و نمی‌توان آنرا قتل عام توصیف کرد.

- یکی از موانعی که بر سر راه آمریکا وجود دارد تا نتواند به راحتی سلیقه‌های خود را در سودان اعمال کند، حضور کشور چین در شورای امنیت و حجم مناسبات این کشور با سودان است.

عامل اصلی اقدام شورای امنیت علیه سودان، چین است که با وتوی خود باعث شده است تا سودان از تحریم‌های سازمان ملل رهایی یابد. چین، بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در سودان است و حجم سرمایه‌گذاری این کشور در سودان، نزدیک به ۴ میلیارد دلار می‌باشد. آزمون سخت در روابط سودان و چین در ۳۱ مارس رقم خورد. وقتی که شورای امنیت قطعنامه ۱۵۹۳ ناظر بر ارجاع پرونده دارفور به دیوان کیفری بین‌المللی را در

گامی منحصر به فرد مطرح کرد، مقامات سودانی از چینیه‌ها تضمین گرفتند که این قطعه‌نامه تصویب نشود.

- یکی از اقدامات آمریکا در سودان، تلاش برای تأسیس پایگاه نظامی در این کشور بود. آمریکا تلاش می‌کند به بهانه محافظت از منابع نفت و عدم دسترسی تروریست‌ها به اورانیوم خام، در جنوب سودان پایگاه نظامی ایجاد کند. نگرانی دولت بوش از بی‌ثباتی در دارفور و احتمال سرایت ناآرامی‌ها به مناطق مرکزی قاره آفریقا، از دیگر دلایل این اقدام بیان گردید.

- پس از اوجگیری بحران دارفور، خبرهایی مبنی بر دست داشتن برخی کشورها مانند اسرائیل و اریتره در این تحولات بیان شد. دولت سودان اخیراً به صورت رسمی، رژیم صهیونیستی را عامل اصلی تشدید درگیری‌ها در دارفور عنوان کرده و اعلام نمود: «دولت سودان مدارک مستندی در اختیار دارد که نشان می‌دهد اسرائیل در پی جنگ افروزی در دارفور است». سودان افزود؛ اسرائیل از رهبران شورشیان دارفور به طور گسترده حمایت کرده که از جمله آنان «شریف حریر»، مخالف معروف دولت سودان در دارفور، است. وی با بیان اینکه بسیاری از مخالفان دولت سودان در دارفور بارها از اسرائیل دیدن کرده‌اند، افزود؛ چند تاجر اسرائیلی که در خصوص انتقال سلاح به شورشیان دارفور فعالیت می‌کردند، بازداشت شده‌اند.

- گروهی به نام «اتحادیه دفاع از هولوکاست» که از یهودیان تندرو تشکیل شده، در واشنگتن گزارشی درباره نسل‌کشی در دارفور منتشر کردند و خواستار دخالت سریع بین‌المللی از جمله اقدام دولت آمریکا در این منطقه شدند. بر اساس این گزارش،

اسرائیلی‌ها با استفاده از آن برای دخالت نیروهای غربی در دارفور در پی تحقق بخشیدن به خواسته دیرین خود یعنی حضور گسترده در آفریقا و دستیابی به رؤیای سرزمین یهودی از نیل تا فرات هستند.

تهیه کننده: اسرافیل امیری



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی